

## باسمه تعالی

- ۲ ..... **مقدمه واجب**
- ۲ ..... **دوران رجوع قید به ماده یا هیئت**
- ۲ ..... تذکر دو نکته
- ۲ ..... نکته اول: دوران بین تقييد هیئت و عدم قابلیت تقييد اطلاق ماده و بین تقييد ماده
- ۲ ..... نکته دوم: مجال داشتن دوران بین تقييد هیئت و عدم قابلیت تقييد اطلاق ماده و تقييد ماده
- ۲ ..... عدم صحت نسبت قبول مختار مرحوم شیخ به مرحوم آخوند در قید منفصل
- ۳ ..... عدم ملازمه بین تقييد اطلاق هیئت و تقييد اطلاق ماده و قابلیت نداشتن اطلاق ماده
- ۴ ..... کشف نکردن اطلاق ملاک از مجرد اطلاق ماده
- ۴ ..... عدم ارتباط کشف نفی وجوب قید از اطلاق ماده
- ۵ ..... عدم ملازمه بین تقييد هیئت و تقييد ماده

**موضوع:** بررسی کلام مرحوم اصفهانی / دوران رجوع قید به ماده یا هیئت / مقدمه واجب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد دوران رجوع قید به ماده یا هیئت بود. مرحوم شیخ وجه دومی مطرح کردند. ایشان فرمودند: تقييد هیئت مستلزم تقييد ماده است و تقييد ماده مستلزم تقييد هیئت نیست. پس دوران امر بین مخالفت دو ظهور یا یک ظهور است. رفع ید از یک ظهور مقدم است. مرحوم آخوند فرمود: دوران امر بین مخالفت یک ظهور و یک ظهور است. زیرا با تقييد هیئت، اطلاقی برای ماده منعقد نمی‌شود. مرحوم اصفهانی فرمود: تقييد هیئیت نه مستلزم تقييد ماده است و نه موجب بطلان اطلاق ماده است.

## مقدمه واجب

### دوران رجوع قید به ماده یا هیئت

#### تذکر دو نکته

#### نکته اول: دوران بین تقييد هیئت و عدم قابلیت تقييد اطلاق ماده و بین تقييد ماده

نکته اول این است که مرحوم شیخ که اطلاق هیئت را بر اطلاق ماده مقدم داشته است، فرموده است: محال است که تقييد هیئت موجب تقييد ماده باشد. تقييد هیئت، قابلیت ماده را برای اطلاق ماده از بین می برد. وقتی وجوب اکرام مشروط به مجی زید شد، معنا ندارد که ماده اکرام داشته باشد. ایشان ادعا دارند که دوران بین یک تقييد و دو تقييد است. بلکه بین یک تقييد که مبطل اطلاق ماده است و بین تقييد ماده است و ایشان ادعا کرده است، همان طوری که اذا دار الامر بین تقييدین و تقييد واحد باید تقييد واحد را اخذ کنیم همچنین اذا دار الامر بین تقييد مبطل اطلاق و تقيیدی که مبطل نیست، تقييد بدون ابطال مقدم است. این بحث که آیا تقييد هیئت می تواند تقييد ماده باشد یا نه؟ در آینده خواهد آمد.

#### نکته دوم: مجال داشتن دوران بین تقييد هیئت و عدم قابلیت تقييد اطلاق ماده و تقييد ماده

نکته دوم که مهم است این است که مرحوم آخوند فرمود: منشا توهّم شیخ این است که اطلاق مطلق مانند عموم عام منعقد می شود لذا دوران امر بین مخالفت دو ظهور و یک ظهور است. بعد فرموده است: این منشا توهّم در قید متصل مجال ندارد و در متصل اصلا ظهوری منعقد نیست اما ادعای ایشان در قید منفصل صحیح است. ما گفتیم بر مبنای شیخ ادعای مرحوم آخوند جاری نیست.

#### عدم صحت نسبت قبول مختار مرحوم شیخ به مرحوم آخوند در قید منفصل

مرحوم خویی فرموده است: مرحوم آخوند در قید منفصل که محل بحث است حرف شیخ را قبول کرده است؛ زیرا دو ظهور برای اکرم زید منعقد شده است. یکی اطلاق هیئت است و دیگری اطلاق ماده است. بعد یک قیدی آمده است که نمی دانیم به

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۰۷.

۲ آدرس آن را نیافتیم

هیئت رجوع می‌کند و یا به ماده رجوع می‌کند. پس دوران امر بین مخالفت با دو ظهور و یک ظهور است. لذا رفع ید از یک ظهور مقدم است. پس مرحوم آخوند جزء کسانی است که ادعای مرحوم شیخ را قبول کرده است.

به نظر ما مرحوم آخوند نمی‌خواهد مختار مرحوم شیخ را در قرینه منفصل قبول کند؛ زیرا ایشان می‌فرماید: در منفصل توهم مجال دارد نه این که ادعای مرحوم شیخ درست است. ایشان می‌گوید: این توهم در قید منفصل مجال دارد. اساساً جواب اصلی مرحوم آخوند این بود که دوران امر است بین این که یک اطلاق مبطل از بین برود یا اطلاق لا مبطل از بین برود. دلیل نداریم که اطلاق لا مبطل مقدم بشود. بلکه دلیل داریم که در دوران امر بین مخالفت یک ظهور و مخالفت دو ظهور، رفع ید از یک ظهور مقدم است ولی جواب مرحوم آخوند به مرحوم شیخ این بود که در دوران بین اطلاق مبطل و اطلاق لا مبطل دلیلی نداریم که اطلاق لا مبطل مقدم بشود.

پس ادعای مرحوم آخوند این است که اولاً توهم در قید متصل مجال ندارد و ثانیاً در منفصل مجال دارد اما جواب آن این است که دلیل نداریم که اطلاق لا مبطل بر اطلاق مبطل مقدم بشود. موید این مطلب نیز در تقریرات مرحوم آخوند وجود دارد. این که مرحوم خویی به مرحوم آخوند نسبت داده است که ایشان ادعای مرحوم شیخ را در قید منفصل قبول دارد صحیح نیست و دقت در عبارات مرحوم آخوند خلاف این مطلب را می‌رساند.

### عدم ملازمه بین تقیید اطلاق هیئت و تقیید اطلاق ماده و قابلیت نداشتن اطلاق ماده

مرحوم شیخ فرمود: اگر هیئت تقیید زده بشود اطلاق ماده و اطلاق هیئت از بین می‌رود. مرحوم آخوند فرمود: با اطلاق هیئت، ماده قابلیت اطلاق ندارد. مرحوم حاج شیخ اصفهانی فرموده است: همان طوری که تقیید هیئت مستلزم تقیید ماده نیست، تقیید هیئت هم مبطل اطلاق ماده نیست و اطلاق ماده به حال خودش باقی است. اگر مجع زید به وجوب تعلق داشته باشد ماده به اطلاق خودش باقی است و اصلاً باطل نمی‌شود. بلکه تقیید هیئت اطلاق ماده را بما هو واجب از بین می‌برد. وقتی وجوب، مشروط به عند المجع شد، اکرام (با قید واجب) هم که مبدا است عند المجع است. زیرا وجوب که قبل از ماده نیامده است تا ماده اطلاق داشته باشد. پس ذات اکرام قیدی نخورده است. وجوب مشروط به عند المجع شده است ولی ذات اکرام مطلق است. فایده اطلاق ماده این است که از اطلاق ماده، اطلاق ملاک را کشف می‌کنیم و همچنین به مقتضای اطلاق ماده

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۰۷.

۲ مطارح الانظار، الشیخ المرتضی الانصاری، ج ۱، ص ۲۵۳.

۳ نه‌ایه الدرایه فی شرح الکفایه، محمد حسین اصفهانی، ج ۲، ص ۹۵.

حکم به واجب التحصیل نبودن قید می شود چون قیدی واجب التحصیل است که قید ماده باشد. ما با اطلاق ماده نفی وجوب قید می کنیم

ان قلت: واضح است که قید واجب وجوب ندارد؛ چون قید وجوب هم هست. وقتی مقدمه وجوبیه است وجوب تحصیل ندارد پس اطلاق ماده در این ناحیه فایده ای ندارد.

مرحوم اصفهانی فرموده است این ادعا درست است ولی چه اشکالی دارد که اطلاق ماده هم اقتضای نفی آن را داشته باشد. هم از حیث مقدمه وجوبیه بودن واجب التحصیل نیست و هم از باب قید ماده بودن و اطلاق ماده واجب التحصیل نیست. پس نفی وجوب با اطلاق ماده اشکالی ندارد هر چند که عدم وجوب قید هم مقتضای تقیید هیئت است.

**نتیجه:** با تقیید هیئت تقیید ماده لازم نمی آید پس دوران امر بین مخالفت یک ظهور و یک ظهور است نه این که مخالفت دو ظهور و یک ظهور باشد کما این که مرحوم شیخ ادعا فرمود.

### کشف نکردن اطلاق ملاک از مجرد اطلاق ماده

به نظر ما این مطالب نمی تواند مساله را حل کند. (مرحوم خویی همین راه را رفته است ولی بیانشان متفاوت است) به نظر ما اگر هیئت تقیید زده شود، دیگر جایی برای تمسک اطلاق ماده نیست. زیرا نسبت به کشف ملاک گفته می شود که کاشف از ملاک مجرد ماده نیست. ما از مجرد ماده به ملاک نمی رسیم، بلکه کشف اطلاق ملاک از ماده ای که وجوب دار است کاشف از اطلاق ملاک می شود. اگر گفته شده است از اطلاق ماده کشف از اطلاق ملاک می شود در جایی است که وجوب ماده، اطلاق داشته باشد. اما در جایی که صرف ذات ماده اطلاق داشته باشد ملازم با کشف اطلاق ملاک ندارد. در حقیقت کاشف از ملاک اطلاق وجوب است.

### عدم ارتباط کشف نفی وجوب قید از اطلاق ماده

کما این که گفته شد اطلاق ماده برای نفی وجوب قید است، درست نیست؛ زیرا ماده ای که مطلقا واجب شده است نفی وجوب قید می کند اما ذات ماده ربطی ندارد که بگوید: قید من واجب است یا واجب نیست. اگر وجوب بر مقید مترتب شده بود، اقتضاء می کند که قید واجب باشد و اگر بر ذات ماده مترتب شده باشد، قید واجب نشده است. نکته ی این که قید واجب التحصیل است این است که وجوب بر حصه آمده است و حصه متوقف آن است. اطلاق ذات ماده لا اقتضاء است.

ان قلت: مقتضای انکار ثمره این نیست که ماده اطلاق ندارد. اطلاق ماده هست ولی کاشفیت ندارد. پس تقیید هیئت اطلاق ماده را از بین نمی برد. نهایتش این است که کاشفیت ندارد. حال که اطلاق ماده را از بین نمی برد پس دوران امر بین مخالفت یک ظهور و دو ظهور نیست.

قلت: ما می گوئیم با ثمره نداشتن اطلاق ماده، اطلاق ماده را از بین می رود؛ زیرا انعقاد اطلاق به خاطر ثمره داشتن است. حال اگر ثمره نداشته باشد پس اطلاقی در کار نیست. مرحوم اصفهانی نیز اطلاق ماده را می خواست از طریق ثمره داشتن منعقد کند. حال که ثمره نداشت، پس اطلاق منعقد نمی شود.

نتیجه: پس ادعای شیخ که می فرماید اگر هیئت تقیید زده بشود مجالی برای اطلاق ماده نیست، صحیح است.

### عدم ملازمه بین تقیید هیئت و تقیید ماده

مرحوم خوبی فرموده است: تقیید هیئت مستلزم تقیید ماده نیست و مبطل اطلاق ماده هم نیست. زیرا بین تقیید هیئت و تقیید ماده عموم خصوص من وجه است. مواردی هست که قید فقط قید وجوب است مثلاً استطاعت فقط قید وجوب است لذا اگر کسی مستطیع شد و بعد فقیر شد، حج در حال فقر بعد از استطاعت حجه الاسلام است؛ چون استطاعت فقط قید وجوب است. قیودی هم هستند که فقط قید واجب هستند مانند طهارت در صلات که قید نماز هستند. چه تحصیل طهارت بشود و چه نباشد صلات وجوب دارد. وجوب صلات نسبت به تحصیل طهارت مطلق است. بعضی از قیود هم قید هیئت و هم قید ماده هستند مانند زوال شمس که هم قید هیئت هستند تا زوال نباشد وجوب نمی آید و هم قید ماده هم هست نماز قبل از زوال باطل است. پس نسبت بین قید وجوب و قید واجب عموم و خصوص من وجه است لذا ادعای مرحوم شیخ صحیح نیست. ممکن است هیئت مقید باشد ولی ماده مطلق باشد زیرا ممکن است قید ماده نباشد. نظیر قید استطاعت.

این سوال مطرح می شود که اساساً یک چیزی می تواند هم قید وجوب باشد و هم قید واجب باشد؟ ادامه بحث در جلسه آینده.